



ژوئیه - گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دادرسیهای تاریخ
محاكمه اوربان گراندییه
سال ۱۶۳۴ میلادی

Urbain
Grandier

ترجمه و نگارش : علی هاشمی حائری

درلودان بدخواهانش از غیبت او استفاده کرده . دسیسه نمودند که خلاصه آن
این بود که گراندییه بدختران و زنان صومعه ، دست اندازی و بناموس آنها تجاوز

می‌نماید. و مرد ملحدی است. قاضی شرع درباره این اتهامات بتحقیق پرداخت .
 جمعی از دشمنان و بدخواهان گراندیبه نیز بحضور قاضی شرع رفته گواهی دادند (۱۹)
 سپس قضیه باسقف پواتیه ، احاله گردید . این آقای اسقف هم از اوربان گراندیبه
 خوش نمی‌آمد زیرا که داناتر از خود نمیتوانست دید . چه در دسر بدیم . پرونده
 سازی علیه متهم شروع شد و منتهی بیازداشت و سپس زندانی شدن اوربان گردید و
 هر مرتبه که تحقیقات و بازجوئی میکردند ، گراندیبه پاکتر و منزله تر از دفعه پیش
 بیرون می‌آمد و سرانجام در ۴ ماهه ۱۶۳۱ حکم تبرئه او از اتهام زناکاری و رواج
 فحشاء صادر گردید و مجدداً مقام رفیع خود را در کلیسا باز یافت ولیکن دریافته
 بود که بدخواهانش خیلی گردن کلفت و قلچماق هستند و از محو و نابودی او
 اودریغ ندارند!!

جادوگری و نقش شیطان!

پیروزی اوربان گراندیبه بردشمنان و بدخواهانش . بنویه آنان را مرعوب
 کرد . کشیش مینون که کارگردان اصلی این واقعه محسوب می‌شد . برای محو و
 نابودی اوربان برنامه شگرفی که از حیث وسائل در نوع خود بی نظیر بود
 طرح کرد .
 مینون ، چنانکه گفتیم ، مدیر صومعه خواهران اورزلبین بود . مدیره این
 صومعه «ژان دی پول ویلد» نامی بود در بین راهبه‌ها عده‌ای از دختران خانواده‌های
 اصیل زادگان و حود داشت . و از لحاظ اینکه کم بضاعت بودند منزلی را که شایع
 شده بود . مسکن شیاطین و اشباح است ، بهای ارزانی خریده و در آنجا مسکنی
 داشتند . شیاطین و اشباحی نبود و میگفتند با خواندن دعا ، تارومار شده‌اند. ولیکن
 دیری نپائید که شایع کردند ، شیاطین و اشباحی مجدداً باز گشته‌اند و روی سقف
 اطاقهائی که محل خواب دختران صومعه است بمسابقه دویدن پرداخته و بعضی شبها
 نیز اشباح و شیاطین جرئت پیدا کرده وارد اطاق خواب دختران میشوند و روپوش

از روی آنها بر میدارند. راهبه‌ها از اینوضع بیمناک شدند. وقتی مینون مدیر صومعه گردید، بتحقیق پرداخت، معلوم شد که دخترک شیطانی که نامش ماری اوربان است، این بازیگوشی را میکرده است، و اعتراف هم کرد که او برای تفریح سر بسر خواهران صومعه میگذاشته است برای اینکه صومعه بدنام نشود، قضیه را مستور نگاهداشتند تا بتدریج رفع توهم بشود.

اینوضع وسابقه صومعه بود، هنگامیکه دشمنان گرانندیه در صدد خرد کردن او بر آمدند «مینون» دشمنان اوربان گرانندیه و یا همفکران خود را در یک جلسه جمع کرد و بر نامه کار خود را برای هلاکت گرانندیه با آنها در میان گذاشت، هفته‌ای چند از اجتماع مذکور نگذشته بود که شایعه‌ای در شهر نشر شد و مفادش این بود که اشباح باشکال زوحی و مخفی بصومعه باز گشته‌اند. و شیاطین بر راهبه‌ها چیره گی پیدا کرده‌اند... بر اثر این شایعه، شایعه دیگری افزوده شد که شیاطین بر تمام راهبه‌های صومعه سیطره پیدا کرده و چیره گی آنها بوسیله جادو صورت گرفته است و این جادو گر جز «اوربان گرانندیه» کسی دیگر نیست. گرانندیه با شیطان پیمان بسته است و باو نزدیک شده و روح خود را بشیطان فروخته است تا شیطان درازاء این معامله او را داناتر از تمام اهل زمین نماید !!



از لحاظ شناختن طرز تفکر قرون وسطائی خالی از فایده نخواهد بود. در باره عهد و پیمان و یا عقد قرارداد بین آدمی و شیطان توضیحی داده شود و ضمناً توجه میدهیم که این طرز تفکر در قوانین کلیسا و بعداً در قوانین عرفی آن عصور هم نفوذ کرده و مجازاتهای مقرر در قوانین مذکور نماینده همان طرز تفکر و واکنش مربوط بدان میباشد.

فکر جادو یا سحر در آن عصور تاریک مبتنی بر قرارداد با شیطان بود. این پیمان یا صریح بود یا ضمنی. هر کس که بعملیات شیطانی اقدام میکرد. چنین شناخته می شد که اوسیادت شیطان را پذیرفته است. نتیجه این میثاق انکار و الحاد بود، چه شیطان بزعم آنها آثار و رسوم قدسیه را محو کرده و بجای آن طبیعت خاص خود را قرار میدهد. و بر عضوی که آن میثاق را پذیرفته است. لازم و فرض است که در شعائر رسمی و ثنیت حضور داشته باشد و در جرائم پلیدی مقدسات و مراسم دیگر گناهان را باچه شرکت کند. منشا ایجاد سازمان شگفت انگیز «انگیزسیون» یا «ایوان تحقیق» که از عجایب تشکیلات قضائی قرون وسطائی و از لکه های بزرگ و سیاه و محو نشدنی برجین عدالت بشری میباشد، همین طرز تفکر بعلاوه شهوت قدرت طبلی کلیسای رم بود و متذکر می شوم که سازمان انگیزسیون تا اوایل قرن نوزدهم نیز در برخی از کشورهای اروپائی دایر و فعالیتهائی داشت !!

دامی که برای گزاندیبه گسترده اند:

کشیش «میون» بادستیار خود «باریه» که اوهم مرد ساده لوح و فاقداراده و متظاهر بزهد و وارستگی بود، باجمعی از خواهران صومعه، بخلوت نشسته و درها بروی خود بسته و گفته بودند: برای طرد ارواح جنبه بنماز و ذکر اوراد سرگرمند و در نفس الامر مشغول تهیه و تدارک دام خطرناکی بودند که خصم خود گزاندیبه را فقط بگناه اینکه از همکارانش عاملتر و در درک قضایا فیه متر است، در آن انداخته بهلاکت رسانند. پس از چند روزی «مینون» که کارگردان این دسائس و خیمه شب بازی بود به امور داد گستری و فرماندار شهر اخطار کرد که برای مشاهده «شیطان زدگی» حلول شیطان در دویدن دونفر از خواهران شیطان زده بصومعه آیند و از شیطان زدگی و حلول شیطان کالبد آنان شگفتیها به بیند. «مینون» به امور تحقیق داد گستری و فرماندار گفته بود که رمز حلول شیطان در کالبد خواهران همانا «دسته گلی» میباشد و این نشانه همان شیطان است. قاضی تحقیق و فرماندار و جمعی از کشیشان بآن جلسه کذائی

حاضر شدند. رئیس صومعه «ژان دی بلفلید» و خواهر دیگری از اعضا دیگر بر تخت خوابی در اطاق بزرگی خوابانده شدند. و همینکه جلسه مذکور تشکیل گردید. رئیس صومعه را لرزه شدیدی فرا گرفت و بحال تشنج افتاد و بنا کرد بزبان لاتین چیزهایی گفتن و اشارات و حرکات غریبی از خود نشان دادن مینون اظهار کرد از او سؤالاتی خواهد کرد و با اینکه رئیس صومعه زبان لاتین نمیداند او بلاتین جواب خواهد داد سپس نزدیک بر رئیس صومعه شد و او را امر بسکوت و آرامش کرد و پارهٔ اوراد و از کار زمزمه نمود. و رئیس بحال تشنج پاسخ میگفت و خلاصه جواب داد که شیطان بکالبدش راه یافته و بادسته گلی بر او چیره شده است و آنکه شیطان را براو مسلط ساخته همانا اوربان گراندیه کشیش کلیسای «بن پیر» است. و بنا گاه حال بیمار بهبود یافته و «مینون» کمی آب سرد بر پیشانی و صورتش پاشیده از جایش برخاست خواهر دومی هم پس از دقائقی در حال تشنج از جای پرید و این یکی را مینون هر چه سؤال کرد نتوانست از او پاسخی دریافت کند (معلوم میشود درش را روان نبود!) و جلسه بهم خورد، روز بعد مامورداد گستری و فرماندار به «مینون» اخطار کردند که دیگر جلسه‌ای را بدون حضور آنان از لحاظ اهمیت قضیه تشکیل ندهد و آنها بحسب وظیفه‌ای که دارند. کشیشان دیگری را مامور نماز و ذکر اوزاد برای رفع شر شیطان خواهند کرد ولیکن «مینون» گفته بود که او تضمین نخواهد کرد بشیاطین جز باو بدیگری جواب بدهند. و باز هم آن صحنه را تکرار کرد. و همینکه قاضی و فرماندار توضیحات بیشتری خواستند «مینون» و دستیارش باره گفتند شیاطین خسته شدند (!) و خودشان دوباره متفرق در نماز و دعا شدند!

سیطره و نفوذ کلیسا در قوه قضائیه

گراندیه بنوبهٔ خود بیکار نشست و با دادستان ملاقات کرد و از او طلب کرد که با «مینون» دربارهٔ این نمایش کومیک و مسخره بازی تازه تحقیقاتی بعمل آید و تقاضا کرد که خواهران عضو صومعه، بعضی از بعضی دیگر جدا شوند. و بوسیلهٔ

کشیشان دیگر مورد معاینه قرار بگیرند، شکایت و یا عرض حال گرانندیه بجریان گذاشته شد و تصمیم بتحقیقات از «مینون» اتخاذ گردید .

ولیکن «مینون» اعتراض کرد و خود را وابسته باسقف نشین آن منطقه دانست و تنها او امر اسقف ناحیه میتواندست او را در معرض بازجوئی قرار بدهد در مورد دیگر هم که اخطار شده بود بدون حضور دادستان یا نماینده او جلساتی تشکیل شود و خواهران صومعه از هم جدا شوند و جدازندگی کنند که تا بوسیله پزشکان و کشیشان صلاحیتدار از آنان معاینه شود ، رئیس صومعه قبول نکرد و اینکار را خارج از دایره صلاحیت ماموران دولتی دانست و باز هم جلسات غش و ضعف و تشنج و همان خیمه شب بازها در صومعه با حضور بعضی از پزشکان و کشیشان تکرار شد و مامور دادگستری و فرماندار هم ناگزیر از شرکت و حضور در آن جلسات شدند و هر بار اوراق و صحایف بیشتری بر این پرونده افزوده میشد ... این پرونده سازی علیه گرانندیه و بدست مینون و دستیار او باریه با کمال اهتمام تعقیب میشد ... یکبار هم در یکی از جلسات بازپرسی قاضی تحقیق پیشنهاد کرد کلمه «آب» رئیس در حالت شیطان زدگی بزبان «عبری» بگوید و پیشنهاد او مستند باین دلیل بود که شیطان غیر از زبان لاتین سایر زبانها را هم میداند و میتواند این کلمه را بزبان عبری تکرار کند . ولی این شیطان از آنهایی بود که «عبری» میدانست و رئیس صومعه به پته پته افتاد و جواب نداد !!



اخبار تشکیل این جلسات در لودان و قضیه خواهران صومعه اورز لین در همه جا پیچید . دوربان نیز شکایت خود را تعقیب میکرد . در آن غوغا و قال و قیل مخالفان تنها پزشکان بودند که صحت مدعای گرانندیه را گواهی میکردند و حرکات راهبهها را غیر طبیعی میدانستند . استاندار ناحیه نیز از اظهار نظر در اینباره بدلیل

اینکه ازاموز اختصاصی شرعی است، خودداری نمود. اسقف «پواتیه» که مرجع شرعی در این امر بود. زیر بار تحقیقات دیگر نرفت ولی کشیشان دیگر را بمحل گسیل داشت که در آن جلسات روحی (!؟) عضویت پیدا کنند!

خبر اینکه در لودان قضایای خارق العاده ای رخ میدهد در همه جا میپیچد و «آنه دوتریش» ملکه فرانسه در آن هنگام نماینده ای از جانب خود به لودان گسیل داشت که این حوادث خارق العاده را مشاهده کرده گزارش بدهد. مامور داد گستری و فرماندار واقعاً بیمناک شدند که نماینده ملکه را فریب دهند و ترسیدند مبدا گزارش داده شود که با گزارش معروفه آنها مغایرت داشته باشد و لاجرم در جلسات کذائی حضور یافتند ولیکن آنها را بدلیل اینکه قضیه دینی است. از حضور در جلسات منع جلوگیری کردند و اوربان گراندیه از فرصت استفاده کرده عرض حال مفصلی تقدیم عالیجناب مطران «بور دو» کرد. مطران «بور دو» یکبار دیگر هم از گراندیه حمایت کرده بود او واقعاً ملاحظه نمود مبدا در این جریان دسیسه و توطئه برای هلاکت این کشیش دانشمند و جوان در کار باشد لاجرم پزشک مخصوص خود را بحمل گسیل داشت که خواهران شیطان زده را معاینه کند، «مینون» کارگر این صحنه مقدم آقای پزشک مخصوص عالیجناب مطران را بگرمی و دوستانه پذیرفت و با ابراز مسرت باو اطلاع داد که فعلاً شیاطین و ارواح خبیثه پنهان شدند و خواهران شفا یافته اند. پزشک اعزامی خواهران صومعه را معاینه کرد و آنان را در حال طبیعی و تندرست یافت ولیکن با این وجود عالیجناب مطران بر دو برای مزید اطمینان دو نفر از کشیشان را مأمور کرد بروند در لودان و در آن جلسات شرکت کرده به بینند چه خبر است ولیکن شیاطین مخفی شده بودند (!؟) و ارواح خبیثه طرد شده و پرده این نمایش کومیک مسخره فرو افتاد و مدت زمان کوتاهی آرامش و سکون برقرار گردید. گراندیه نفس راحتی کشید ولیکن دشمنان معرفت و دانش در کمین بودند و در مقاله دیگر بقیه این پرونده قضائی را ترجمه و نقل خواهیم کرد.